

خوشامد گویی به شیوه حزب‌الله!



روزنامه وطن امروز در یادداشت دیروز خود نوشته است: حزب‌الله لبنان در سال‌های اخیر به عنوان قدرتمندترین متحد جمهوری اسلامی ایران، در جبهه مقابله با اشغالگران قدس، به جدیدترین تجهیزات روز نظامی مجهز شده و اگر در خلال جنگ ۳۳ روزه با شلیک یک موشک کروز به ناوچه «ساعر» اسرائیلی در مدیترانه، دولت عبری را غافلگیر کرد، امروز با تجهیزات گسترده‌تر، مدرن‌تر و مرگ‌بارتر برای هر گونه جنگ احتمالی با صهیونیست‌ها آماده است.

همین چند روز قبل در آخرین ماه‌های دولت سابق صهیونیستی بود که تنها پرواز سه پهپاد حزب‌الله بر فراز منطقه گازی «کاریش»، سران رژیم را مجبور به عقب‌نشینی از مواضع قبلی خود کرد. صهیونیست‌ها می‌دانند حزب‌الله لبنان امروز در چه سطحی از آمادگی قرار دارد و اگر آنها در جنگ‌ها نتوانستند از پس «حماس» و «جهاد اسلامی» فلسطین برآیند، به طریق اولی دست‌شان در برابر حریف بسیار قدرتمندتری مثل حزب‌الله بسیار بسته‌تر است. نویسنده اضافه کرده: اگر ۵۵ سال پیش یگان ویژه ارتش اسرائیل به راحتی وارد بیروت می‌شد، عملیات خود را اجرا می‌کرد و بدون آنکه مقاومتی هم در برابر خود ببیند به اراضی اشغالی بازمی‌گشت، امروز «حزب‌الله» به سد محکمی برای حراست از لبنان تبدیل شده که صهیونیست‌ها ضرب شست آن را در سال‌های گذشته به‌خوبی کشفیده‌اند؛ هر چند همان یگان «سایریت متکال» که آن عملیات را در لبنان به انجام رسانید، امروز برای پیدا کردن یک مجری نوچوان عملیات شهادت‌طلبانه فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی، باید چندین ساعت در خیابان مانور بدهد و محضه شود. اسرائیل باید منتظر روزهای سخت‌تری باشد.

انتقام سختی که هر روز سخت‌تر می‌شود!



روزنامه کیهان در یادداشتی نوشته است: در سالروز شهادت شهید سلیمانی در پاسخ به این سؤال مهم که تعهد رهبر معظم انقلاب اسلامی به «انتقام سخت» از خون حاج قاسم چگونه و کی محقق خواهد شد، باید گفت انتقام سخت در حال محقق شدن است. ولی همراه با «هزینه سنگین» مطرح شده که باید بردازند و این لزوماً نه به معنای یک عملیات دفعی با نتایج زودگذر است که می‌تواند یک پروژه بطنی و مستمر با نتایج پایدار و سختی آن نیز نه برای یک لحظه و یک روز و یک ماه و یک سال دشمن را به درد آورد، بلکه قرن‌ها برای او دردآور باشد!زمانی که از انتقام سخت سخن گفته شد، همه تحلیلگران سیاسی، امنیتی، نظامی و رسانه‌ای جهان در پی این بودند که در یابند چه کسی قربانی آن خواهد بود و در سه سال گذشته نیز همواره سابه آن بر سر امریکایی‌ها از خود ترامپ و پمپئو گرفته تا فرماندهان نظامی و دیگران و حتی صهیونیست‌ها بدرجی سنگینی و خاطره زنده‌گی و سرنوشت سلمان رشدی مرتد را در آذهان زنده کرده است، با این تفاوت که «حکم انتقام سخت» را باید خیلی فراتر از «حکم سلمان رشدی» دانست. هرچند هر دو از یک جنس هستند، ولی آنچه موجب گستردگی و عمق حکم انتقام سخت شده، تفاوت در شرایط کنونی با زمان صدور حکم سلمان رشدی است، چراکه ایران مستقل امروز با اعمق نفوذ گسترده‌تر و قیافت بودن کمخوش قوی‌تر شده است. اما آنچه تحلیلگران نظامی، سیاسی و… انتظارش را می‌کنند «مصداقی و گذرا» است که البته همین هم برایشان از خود انتقام سخت‌تر و دردناک‌تر است، در حالی که آنچه جمهوری اسلامی در پی آن است، «ماهوی و پایدار» است. در حقیقت چنین انتقام سخت، از جنس صدور انقلاب اسلامی می‌باشد که اکنون تمام دنیای استکبار را مستأصل نموده است.

اینجا خلیج تاابد فارس است

روزنامه قدس در یادداشتی از دیپلماسی ضعیف، به عنوان پاشنه آشیل ورزش ایران یاد کرده و نوشته است: دیپلماسی منفعل مدیران ورزش ایران در منطقه به پاشنه آشیل ورزش کشور تبدیل شده،اما با وجود توصیه‌های فراوان کارشناسان و منتقدان هیچ اقدامی برای ترمیم این معضل تا به حال اندیشیده نشده است، به همین دلیل کشورهایی منطقه به ویژه کشورهای حوزه خلیج همیشگی فارس بعضاً با شیطنت‌های هدفمند به دنبال رسمیت دادن به واژه‌های جعلی نظیر خلیج (ع ر ب) هستند و از هر موقعیتی استفاده می‌کنند تا به این واژه مجبور رسمیت دهند. اتفاقی که با واکنش گسترده افکار عمومی داخل ورزش و وزارت امور خارجه یک بار به صورت جدی تکلیف خود را با کشورهایی بی‌هویت روشن نمی‌کنند تا به این ترتیب تعامیل ارضی ایران را زیر سؤال نبرند. نویسنده اضافه کرده است: فارغ از رویکرد دو وزارت‌تخانه ورزش و جوانان و امور خارجه این پرسش تا موشابن فدراسیون فوتبال پرسیده می‌شود که چرا در برابر این اتفاق شوم صرفاً به صدور بیانیه بسنده می‌کنید در حالی که می‌توانید با فشار بیشتر مانع گسترش این روند نامطلوب شوید؟ آیا برای حمید سجادی، مهدی تاج و امیر عبداللهیان موضوع این میزان پیش با افتاده است که ماجرا با یک بازی مهم نه از طرف وزارت ورزش و امور خارجه و از سوی فدراسیون فوتبال با لحنی کاملاً محاطانه رفع و رجوع شود؟ چرا نباید سفیر عراق در ایران به محل وزارت امور خارجه احضار شود؟ وقتی کشورهای منطقه شاهد این سامحه از سوی سیاستمداران کشور هستند، طبیعی است با وقاحت هر چه تمام این رفتار ناشایست را مؤکداً تکرار می‌کنند؟

مأموریت رادان

روزنامه جام جم هم یاده‌داشت خود را به انتصاب رادان به عنوان فرمانده فراچا اختصاص داده و نوشته است: سردار رادان با حکم فرمانده کل قوا، با دو مأموریت مهم روبرویرست؛ جلب رضایت مردم عزیز در حراست از امنیت و تأمین آسایش عمومی نخستین مأموریت سردار رادان است. موضوعی که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مردم و انتظارات آنها از نیروی انتظامی است. ارتقای توانایی‌های سازمان و صیانت از شأن کارکنان و پرورش پلیس تخصصی برای بخش‌های گوناگون امنیت، دومین مأموریت فرمانده کل نیروی انتظامی است. از سوی دیگر انتخاب سردار رادان به این سمت در این ایام را می‌توان دیدگاه‌های همسو با تأکیدات مقام معظم رهبری به «نهضت کادری برای بست‌های حساس دانست. هشت سال دوری سردار از اقدامات عملیاتی، به‌و اف‌ر فرصت کافی مطالعاتی و به‌روزرسانی طرح‌ها و برنامه‌ها را داد تا در این ایام با آمادگی کامل سکندار فرماندهی کل نیروی انتظامی شود. نویسنده اضافه کرده: بر خورد با مجرمان خرد، ترافیک کلاشهرها، افزایش قربانیان تلفات جادای و جولان مجرمان خشن و اراندل و اوپاش از جمله چالش‌های پیش‌رو فرمانده جدید فرجاست که باید دید سردار رادان چه برنامه‌هایی برای ایام ران دارد. البته چندنی از این مصاحبه اعلام کرده بودی می‌تواند معنادار را از سطح شهر جمع کند که این نشان از برنامه‌ریزی و آمادگی وی برای حل اینگونه معضلات و مشکلات دارد. رئیس پلیس جدید کشور همچنین سابقه فرماندهی در دو استان کردستان و سیستان‌و بلوچستان را دارد که این تجربه در جهت افزایش توان رزمی مرزبانی کشور و حراست از حریم مرزی می‌تواند یک امتیاز محسوب شود و در دوره فرماندهی وی شاهد کاهش تحركات متجاوزان مرزی و تکمیل طرح انسداد مرزها باشیم.

عنوان

گزارش یک



شبکه یکپارچه موشکی و پهپادی مقاومت علیه شبکه پدافندی امریکایی

آورده، اما قادر نبوده است در سطح راهبردی به توان جبهه مقاومت مقابله و آنها را مجبور به تغییر رهبر در این حوزه کند. این تحولات که سر آغاز آن جنگ ۲۳روزه بین حزب‌الله و اسرائیل بود، رژیم صهیونیستی را وادار کرد بعد از این جنگ در دکترین نظامی خود تجدیدنظر کند و علاوه بر آنکه برای نخستین مرتبه از زمان تشکیل، ادبیات دفاعی را در راهبردهای نظامی خود جای سنگینار و سازمان پدافند هوایی خود را نیز به کلی دگرگون کرد و شبکه یکپارچه پدافندی در سرزمین‌های اشغالی پدید آورد.

اما تحولات جنگ‌های بعدی رژیم با گروه‌های مقاومت فلسطینی نشان داد همپای این تغییر رهبر در اسرائیل، گروه‌های مقاومت نیز توان موشکی و پهپادی خود را در سطوح کمی و کیفی ارتقا داده و توانستند از سد سامانه‌های پدافندی اسرائیلی بگذرند.

از سوی دیگر تحولات جنگ یمین نشان داد سامانه‌های پدافندی که از سوی امریکا در اختیار عربستان و امارات قرار گرفته‌اند در مقابل تهدیدات پهپادی و موشک‌های کروز انصارالله حرفی برای گفتن ندارند و نیروهای مقاومت یمنی طی این جنگ توانستند با گذشتن از سد این سامانه‌های پدافندی ضربات سنگینی را به عربستان و امارات وارد کنند که حمله به تأسیسات نفتی آرامکو و انهدام سامانه پدافندی پاتریوت نمونه‌هایی از آن است. این اتفاقات موجب شد امریکایی‌ها سامانه‌های پاتریوت متعلق به خود را در عربستان جمع‌آوری کنند و عربستان مجبور شد بر پر کردن خلأ ناشی از این اتفاق سامانه‌های پاتریوت یونان را جایگزین سامانه‌های امریکایی کند.

چالش جدیدی پیش رژیم صهیونیستی با پهپادهای حزب‌الله بر سر میدان گازی کاریش که در نهایت منجر به پذیرش خواسته‌های لبنان درباره تعیین مرز دریایی شد نیز تازه‌ترین نمونه از روبروایی پهپادهای مقاومت با سامانه‌های پدافندی اسرائیلی است که در نتیجه آن باز هم حزب‌الله بود که توانست اراده خود را بر طرف مقابل تحمیل کند.

حال با این اوصاف به‌نظر می‌رسد متحدان ایران در منطقه غرب آسیا به‌خوبی راه مقابله با سامانه‌های پدافندی امریکایی و اسرائیلی را آموخته‌اند؛ تجربه‌ای که از سوی ایران در اختیار آنها قرار گرفته - موضوعی که تاکنون هیچ مقام ایرانی رسماً آن را اعلام نکرده است اما تمرین‌هایی که در آزمایش‌های نیروهای مسلح ایران به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد بسیار شبیه آن چیزی است که نیروهای مقاومت از آن برای هدف قرار دادن مراکز حساس و حیاتی دشمن و دور زدن سامانه‌های پدافندی آن استفاده می‌کنند.

در جریان آزمایش پیامبر اعظم ۱۷ نیروی هوافضای سپاه با ترکیبی از موشک و پهپادهای انتحاری حمله به مرکز توسعه تسلیحات کشتار جمعی رژیم صهیونیستی در شبیه‌سازی کرد. پیش‌تر و در جریان آزمایش پیامبر اعظم ۱۴ نیز سپاه عملیات حمله به سامانه‌های پدافندی و رادار سامانه تاد امریکایی را با استفاده از پهپاد انتحاری و موشک بالستیک تمرین کرده بود.

یکی از روش‌هایی که سپاه برای آن کار انداختن سامانه‌های پدافند هوایی و موشکی دشمن از آن استفاده می‌کند همین حملات ترکیبی پهپادی و موشکی است. در این روش ابتدا با گسیل حجم انبوهی از پهپادهای انتحاری ارزان‌قیمت سامانه پدافندی طرف مقابل که توان کشف تعداد محدودی هدف را دارد اشباع می‌شود و پس از آنکه سامانه دیگر توان کشف هدف دیگری را نداشته آنگاه موشک‌های بالستیک نفلظرن با سرعت بالا و کلاهک جداشونده وارد میدان می‌شوند و به مراکز حساس و حیاتی دشمن حمله می‌کنند.

روش دیگر نیز استفاده از موشک‌هایی است که سر جنگی آنها مجهز به جست‌وجوگر امواج راداری یا سنخنده امواج رادار است. این موشک‌ها با حمله به منبع انتشار امواج رادار یا مختل کردن رادار آنها کشف هدف، قادر به نابود کردن آنها هستند.

با نگاهی به تجهیزات موشکی و پهپادی که این موضوع می‌تواند دست برتر را در اختیار جبهه مقاومت قرار دهد.

متحدانش در منطقه ایجاد کرده است به‌نظر می‌رسد حالا این شبکه‌های یکپارچه، توانایی مقابله با سامانه‌های پدافندی دشمن را نیز دارند، تجربه‌ای که در عمل نیز محقق شده است. تجربه‌ای که از سوی ایران در اختیار آنها قرار گرفته - موضوعی که تاکنون هیچ مقام ایرانی رسماً آن را اعلام نکرده است اما تمرین‌هایی که در آزمایش‌های نیروهای مسلح ایران به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد بسیار شبیه آن چیزی است که نیروهای مقاومت از آن برای هدف قرار دادن مراکز حساس و حیاتی دشمن و دور زدن سامانه‌های پدافندی آن استفاده می‌کنند.

در جریان آزمایش پیامبر اعظم ۱۷ نیروی هوافضای سپاه با ترکیبی از موشک و پهپادهای انتحاری حمله به مرکز توسعه تسلیحات کشتار جمعی رژیم صهیونیستی در شبیه‌سازی کرد. پیش‌تر و در جریان آزمایش پیامبر اعظم ۱۴ نیز سپاه عملیات حمله به سامانه‌های پدافندی و رادار سامانه تاد امریکایی را با استفاده از پهپاد انتحاری و موشک بالستیک تمرین کرده بود. یکی از روش‌هایی که سپاه برای آن کار انداختن سامانه‌های پدافند هوایی و موشکی دشمن از آن استفاده می‌کند همین حملات ترکیبی پهپادی و موشکی است. در این روش ابتدا با گسیل حجم انبوهی از پهپادهای انتحاری ارزان‌قیمت سامانه پدافندی طرف مقابل که توان کشف تعداد محدودی هدف را دارد اشباع می‌شود و پس از آنکه سامانه دیگر توان کشف هدف دیگری را نداشته آنگاه موشک‌های بالستیک نفلظرن با سرعت بالا و کلاهک جداشونده وارد میدان می‌شوند و به مراکز حساس و حیاتی دشمن حمله می‌کنند.

روش دیگر نیز استفاده از موشک‌هایی است که سر جنگی آنها مجهز به جست‌وجوگر امواج راداری یا سنخنده امواج رادار است. این موشک‌ها با حمله به منبع انتشار امواج رادار یا مختل کردن رادار آنها کشف هدف، قادر به نابود کردن آنها هستند.

با نگاهی به تجهیزات موشکی و پهپادی که این موضوع می‌تواند دست برتر را در اختیار جبهه مقاومت قرار دهد.

متحدانش در منطقه ایجاد کرده است به‌نظر می‌رسد حالا این شبکه‌های یکپارچه، توانایی مقابله با سامانه‌های پدافندی دشمن را نیز دارند، تجربه‌ای که در عمل نیز محقق شده است. تجربه‌ای که از سوی ایران در اختیار آنها قرار گرفته - موضوعی که تاکنون هیچ مقام ایرانی رسماً آن را اعلام نکرده است اما تمرین‌هایی که در آزمایش‌های نیروهای مسلح ایران به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد بسیار شبیه آن چیزی است که نیروهای مقاومت از آن برای هدف قرار دادن مراکز حساس و حیاتی دشمن و دور زدن سامانه‌های پدافندی آن استفاده می‌کنند.

متحدانش در منطقه ایجاد کرده است به‌نظر می‌رسد حالا این شبکه‌های یکپارچه، توانایی مقابله با سامانه‌های پدافندی دشمن را نیز دارند، تجربه‌ای که در عمل نیز محقق شده است. تجربه‌ای که از سوی ایران در اختیار آنها قرار گرفته - موضوعی که تاکنون هیچ مقام ایرانی رسماً آن را اعلام نکرده است اما تمرین‌هایی که در آزمایش‌های نیروهای مسلح ایران به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد بسیار شبیه آن چیزی است که نیروهای مقاومت از آن برای هدف قرار دادن مراکز حساس و حیاتی دشمن و دور زدن سامانه‌های پدافندی آن استفاده می‌کنند.

کاش او یک «کم‌دین» باقی می‌ماند

بدترین شرایط برای یک فرمانده، زمانی است که سرنوشت جنگ و صلح در دستان وی نباشد! مصداق بارز این گزاره، «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور ناتوان و سردرگم اوکراین است. طی هفته‌های اخیر، اضطراب زلنسکی نسبت به آینده جنگ او کراین و سرنوشت خود و همراهانش در کی‌یف به نقطه اوج خود رسیده است، زیرا ززمه‌های «معامله بر سر اوکراین» میان ناتو و روسیه که به صورت مشخص از سوی هنری کسینجر استراتژیست کپنه‌کار امریکایی مطرح شده است، لفظهای وی را آرام نمی‌گنارد. زلنسکی می‌داند پشت پرده لیخنده‌های وی به باین مقابل دوربین عکاسان خبری در کاخ سفید، حجم انبوهی از بی‌اعتمادی به واشنگتن و ناتو خودندمای می‌کند. صورتمندی این مسئله چندان دشوار نیست!

زلنسکی مطابق دستور ناتو و وعده خاص اعضای پیمان آتلانتیک شمالی مبنی بر حمایت مطلق از کی‌یف، کشورش را به زمین بازی و خط مقدم نبرد امریکا-اروپا علیه روسیه تبدیل کرد. برخی کشورهای اروپایی از جمله فرانسوی‌ها به او کراین وعده داده بودند که روسیه هرگز به پایتخت تا حتی مناطق شرقی اوکراین (لوهانسک و دونتسک) حمله نخواهد کرد و خیال وی بابت هر گونه لغافی و شائباتی علیه کاخ کرملین راحت باشد. حتی زمانی که بر دست‌گاه‌های امنیتی غرب مسلح شد که جنگ اوکراین نزدیک است، اعضای ناتو به زلنسکی وعده دادند که «حمایت مطلق» از وی و کشورش را در دستور کار قرار خواهند داد. اما به نظر می‌رسد نماه‌های این «حمایت مطلق» یکی پس از دیگری در حال رنگ باختن هستند:

• مطالبه زلنسکی مبنی بر ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز این کشور با مخالفت رسمی سران ناتو مواجه شد.

• در جریان اعمال تحریم‌های انرژی علیه روسیه، برخی اعضای ناتو چه به صورت رسمی و چه غیر رسمی تحریم‌های جمعی اعلامی را دور زده و با مسکو وارد معامله شدند.

• استقرار سامانه پاتریوت امریکا در نقاطی خاص از میداین جنگ اوکراین، در عمل به صورت ناقص عملیاتی شد، زیرا زلنسکی در جریان سفر به واشنگتن دریافت که آموزش استفاده از این سامانه و حتی انتقال اجزای آن به داخل اوکراین ممکن نیست و فراتر از آن، هزینه استفاده احتمالی روسیه به موشک‌های بالستیک (در ازای استقرار سامانه پاتریوت امریکا) به مراتب بیشتر از فواید استقرار این سامانه ناقص امریکایی است!

• بر خلاف وعده‌های قبلی و صریح مقامات غربی، اوکراین رسماً باید عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا را فراموش کند، زیرا آتلانتیک‌ها را ریسک حضور کشوری که تبدیل به «زمین سوخته» شده را در بین خود نمی‌پذیرند، حتی اگر این کشور قربانی سیاست‌های خود آنها محسوب شود! فراتر از آن، اعضای اتحادیه اروپا نیز به لحاظ اقتصادی و روانی، حوصله پذیرش یک «کشور جنگ زده» را بین خود ندارند!

تجمع موارد ذکر شده به وضوح نشان می‌دهد «ادامه جنگ» یا «انقذاد قرارداد صلح» هر دو یک بازنده مشترک دارد و آن «غربگرایان اوکراین» هستند! اخیراً امانئول ماکرون رئیس‌جمهور خام‌و ناتوان فرانس در سخنانی اذعان کرده است که او کراین باید عضویت در ناتو را فراموش کند، اما در عین حال فعلاً باید به جنگ علیه روسیه ادامه دهد تا شرایط لازم برای دیپلماسی و پایان دادن به جنگ به وجود آید! این سخنان ماکرون نشان می‌دهد که زلنسکی و همراهانش حتی روابط بین‌الملل را به جزخونی‌های کشتارشان در آن قرار گرفته رانیز ندادن فرمان صلح یا جنگ در اوکراین نه از کی‌یف، بلکه از پاریس، برلین، واشنگتن و لندن صادر می‌شود. این بدترین سرنوشتی است که یک کشور و سیاستمداران آن می‌توانند برای خود رقم بزنند. بهتر است تاریخ‌نویسان اوکراین قبل از آنکه به جزخونی‌های از سر ناچاری خود در میدان جنگی که از سر ذوق پیوستن به ناتو در آن افکنده شدند ادامه دهند، کمی آثار و تبعات تن دادن به بازی در زمین واشنگتن و اتحادیه اروپا را مرور کنند. مسلماً در آینده‌ای نه چندان دور، نام زلنسکی در کتاب‌های تاریخ روابط بین‌الملل فرانس در دست‌انداز قرار خواهد گرفت، البته نه به عنوان یک قهرمان یا سیاستمدار با تدبیر! آیندگان زلنسکی را به عنوان سیاستمداری خواهند شناخت که چوب اعتماد به ناتو و غرب را بر پیکر و موجودیت کشور تحمیل کرد و چندپاری اوکراین و عقب‌گرد آن در نظام بین‌الملل را به لیخند مقامات کاخ سفید عرضه و نوازش تحقیر آمیز کاخ الیزه و لندن فروخت! زلنسکی هم سیاستمداری ناتوان و هم تاجری ورشکسته است. کاش او یک «کم‌دین» باقی می‌ماند.

گزارش‌خبر

مطهری: با سخنان رهبری

شعار «زن، زندگی، آزادی» بی‌اعتبار شد
مفکر می‌کنیم با صحبت‌های مقام معظم رهبری، شاعر «زن، زندگی، آزادی» بی‌اعتبار شد. چون کسانی که این شعار را سر می‌دهند، معلوم نیست مقصودشان از آزادی چیست. علی مطهری، نماینده سابق مجلس و فعال سیاسی در گفت‌وگو با سایت جهان و درباره بیانات اخیر رهبر انقلاب در دیدار بانوان گفت: صحبت‌های مقام معظم رهبری در آستانه روز زن، به نظر من درست، پرمتحوا، غنی و بسیار دقیق بود. سخنان ایشان در بخش‌هایی یادآور سخنان شهید مطهری درباره مسئله حقوق زن... بود. من فکر می‌کنم با صحبت‌های مقام معظم رهبری، شعار «زن، زندگی، آزادی» بی‌اعتبار شد. چون کسانی که این شعار را سر می‌دهند، معلوم نیست مقصودشان از آزادی چیست. برخی افراد هم که گفتند ما این شعار را قبول داریم، باید از آنها پرسید منظور تان از آزادی چیست؟ کدام آزادی؟ نمی‌شود همین طوری بگوییم که ما این شعار را قبول داریم. باید ببینیم کدام آزادی؟ آیا آزادی مورد نظر ما است یا نه؟ یا آزادی غربی را می‌گویند؟ بنابراین با سخنرانی اخیر رهبری، شعار «زن، زندگی، آزادی» اعتبار خود را از دست داد.

مطهری افزود: در آستانه پیروزی انقلاب، برخی افراد که گرایش چپ داشتند، مطهری می‌کردند که بباییم از «زادی» شعار واحدی بسازیم. استاد مطهری در یک سخنرانی جواب دادند: شما که می‌گویید از آزادی شعار واحدی بسازیم، آزادی مشترک لفظی است. باید مشخص شود که مقصود شما و ما از آزادی چیست؟ مقصود شما از آزادی، آزادی از مذهب است. مقصود ما از آزادی، از جمله آزادی از کمونیسم است. ما چگونه می‌توانیم با هم از آزادی، شعار واحدی بسازیم؟

امروز هم همین طور است. کسانی که می‌گویند «زن، زندگی، آزادی»، اول باید روشن کنند که منظورشان از آزادی چیست؟ آیا ما آن را می‌پذیریم یا نه؟ همین گونه نمی‌شود گفت که ما هم این شعار را قبول داریم. من دیدم که برخی افراد و شخصیت‌ها گفته‌اند که ما این شعار را قبول داریم. آیا شما همان شعار مورد نظر آنها را قبول دارید یا مقصود شما از آزادی چیز دیگری است؟! وی تأکید کرد: به نظر من صحبت‌های مقام رهبری درباره مسئله زن صحبت‌های بسیار خوبی بود و ایشان گفتند که ما افراد کم حجاب را بی‌دین و ضدانقلاب نمی‌دانیم، اینها خواهران ما هستند و بسیاری از اینها افراد متدین و انقلابی هستند. مخالفان می‌خواستند اینها را به سمت خودشان بکشند و خیال می‌کردند که با تبلیغات علیه حجاب، اینها کشف حجاب می‌کنند، در حالی که نکردند و به قول مقام رهبری به دشمنان توده‌نی‌ زدند. به نظر من نطق مقام معظم رهبری، نطق هوشیارانه‌ای بود و به ضرر افرادی بود که به دنبال براندازی هستند.